



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه ی دوره کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی (گرایش علوم سیاسی)

موضوع :

نظارت بر قدرت و مهار آن در نظریه ولایت مطلقه فقیه

استاد راهنما:

دکتر علی اکبر جعفری

استاد مشاور :

دکتر مرتضی علویان

نام دانشجو :

فرزاد حسینی

بهمن ۱۳۹۳

الف

أ

## سپاسگزاری

سپاس می گویم خدای متعال را بابت سمع، وفواد و بصر که  
نعمت هدایت شد برای ما...  
سپاس از همه عزیزان و اساتیدی که یاری ام کردند و  
همسر محترم و ایشار گرم که بی چشمداشت در کنارم بود

تقدیم به:

در سی و ششمین سالگرد انقلاب نور و تجلی نور ولایت...  
این تحفه ناچیز پیشکش به قطب عالم امکان، «حضرت بقیه الله  
الاعظم (عج)»، (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا)،  
احیاگر ولایت صالحین بر زمین و بزرگ معمار انقلاب «روح...  
الموسوی الخمینی (ره)»، خلف صالحش القائد «الامام خامنه ای»  
وسربازانی که رفتند تا کلام ولایت زمین نماند...  
اللهم الرزقنا توفیق الشهادة...

## چکیده

« نظارت بر قدرت و مهار آن » از دیرباز ذهن بسیاری از دانشمندان و متفکران عالم سیاست را به خود معطوف کرده است و سوء استفاده حاکمان از قدرت در طول تاریخ موجب شده است که چاره اندیشی برای رفع این نگرانی، به عنوان یکی از عرصه های پر مناقشه نظریه پردازی سیاسی مطرح شد. این امر چالش برانگیز در آموزه های اسلامی نیز جایگاه ویژه و برجسته ای دارد به نحوی که می توان ابداعات و ابتکاراتی کارآمد و مترقی را در مقایسه با سایر ادیان و مکاتب در کنترل و مهار قدرت در این آموزه ها یافت که آن را در جایگاهی ممتاز قرار داده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل حکومت اسلامی توسط امام خمینی زمینه اعمال حاکمیت تامّ و تمام فقهای شیعه فراهم شد، امام خمینی (ره) به عنوان فقیه‌ای که در رأس این حکومت قرار داشت مجال آن را یافت و این قدرت را پیدا کرد که در تمامی آن چه که در محدوده ولایت ولیّ فقیه قرار می‌گیرد دخالت کند و اعمال حاکمیت نماید. در این زمان فقیه می‌توانست از مطلق اختیارات و حقوقی که از جانب صاحب شریعت و مالک جهان و انسان برای او مقرر شده بود استفاده کرده و آنها را اعمال نماید و محدودیت های متعددی که در زمان حاکمیت حکومت های طاغوتی فراروی او بود، بردارد.

سوالی که در رابطه با اصل ولایت فقیه و گاهی نیز به طور خاص در مورد قید «مطلقه» مطرح می‌شود این است که ولایت فقیه و به خصوص ولایت مطلقه فقیه همان حکومت استبدادی است و ولایت مطلقه فقیه یعنی دیکتاتوری؛ یعنی این که فقیه وقتی به حکومت رسید هر کاری دلش خواست انجام می‌دهد و هر حکمی دلش خواست می‌کند و هر کسی را دلش خواست عزل و نصب می‌کند و خلاصه اختیار مطلق دارد و هیچ مسئولیتی متوجه او نیست. این نوشتار تلاشی برای پاسخ به این سوال و فراتر از آن اثبات این نکته است که « ولایت فقیه نه تنها به سمت استبداد و تمامیت خواهی نمی رود بلکه سدی محکم در برابر استبداد و قانون گریزی است. »

## واژگان کلیدی:

نظارت، کنترل و مهار قدرت، ولایت مطلقه فقیه، امام خمینی، فقه سیاسی، حکم حکومتی

### بخش اول: کلیات و مبانی نظری

۱	..... مقدمه
۳	..... فصل اول - کلیات
۳	..... ۱-۱- پیشینه و ادبیات پژوهش:
۵	..... ۲-۱- سؤالات پژوهش:
۵	..... ۳-۱- فرضیات پژوهش:
۶	..... ۴-۱- حدود پژوهش:
۶	..... ۵-۱- روش شناسی پژوهش:
۷	..... فصل دوم - چارچوب نظری و مفهومی
۷	..... ۱-۲- قدرت و مفهوم آن
۷	..... ۲-۱-۱- نگرش مادی به قدرت
۷	..... ۲-۱-۲- نگرش الهی به قدرت
۸	..... ۲-۲- کنترل و مهار قدرت
۸	..... ۲-۲-۱- کنترل قدرت در نظام های غیر دینی
۹	..... ۲-۲-۲- کنترل بیرونی قدرت
۹	..... ۳-۲-۲- تسلسل یا دور مهار بیرونی قدرت
۹	..... ۴-۲-۲- کنترل ساختاری قدرت
۹	..... ۳-۲- نظارت و انواع آن
۱۰	..... اقسام نظارت
۱۰	..... ۱-۳-۲- نظارت استطلاعی
۱۰	..... ۲-۳-۲- نظارت استصوابی
۱۱	..... ۴-۲- فقه سیاسی: مفهوم و گستره
۱۱	..... ۱-۴-۲- فقه سیاسی به مثابه گرایش تخصصی
۱۲	..... ۲-۴-۲- تمایز فقه سیاسی معاصر با فقه سیاسی در ادوار پیشین
۱۲	..... ۳-۴-۲- قرائت‌های حداقلی و حداکثری فقه سیاسی
۱۳	..... ۴-۴-۲- ویژگی‌های فقه سیاسی حداکثری
۱۴	..... ۵-۲- ارتباط دین و سیاست
۱۴	..... ۱-۵-۲- جامعیت و پویایی دین
۱۷	..... ۲-۵-۲- ولایت فقیه
۱۹	..... ۶-۲- نظریه «ولایت فقیه»
۲۰	..... ۱-۶-۲- نظریات فقهای بزرگ تاریخ شیعه
۲۲	..... ۷-۲- دیدگاه فقهای شیعه در باب ولایت مطلقه
۳۲	..... ۱-۷-۲- «ولایت فقیه» و مفهوم «اطلاق» در آثار امام خمینی(ره)
۳۴	..... ۲-۷-۲- ولایت مطلقه فقیه در بیانات امام خمینی (ره) قبل و بعد از انقلاب اسلامی

۳۶	..... ۳-۷-۲- مفهوم «اتلاق» در ولایت فقیه
۴۰	..... ۳-۷-۲- محدودیتهای ولایت مطلقه از دیدگاه امام راحل (ره)
۴۰	..... ۱-۳-۷-۲- اعتباری بودن «ولایت فقیه»
۴۰	..... ۲-۳-۷-۲- ولایت مطلقه فقیه، مقید به چارچوب قوانین الهی است
۴۱	..... ۳-۳-۷-۲- ولایت مطلقه فقیه، مقید به چارچوب مصلحت عمومی است
۴۱	..... ۴-۳-۷-۲- «ولایت فقیه به معنای نظارت و کنترل فعال است نه حکومت مطلقه شخص حاکم»
۴۱	..... ۸-۲- مفهوم شناسی و جایگاه «حکم حکومتی»
۴۲	..... ۱-۸-۲- مفهوم شناسی حکم
۴۲	..... ۲-۸-۲- مفهوم شناسی احکام اولیه و ثانویه
۴۳	..... ۳-۸-۲- حکم حکومتی
۴۴	..... ۴-۸-۲- قلمرو حکم حکومتی
۴۴	..... ۵-۸-۲- تفاوت احکام حکومتی و احکام اولیه؛
۴۵	..... ۶-۸-۲- تفاوت احکام حکومتی و احکام ثانویه
۴۶	..... ۷-۸-۲- حکم حکومتی؛ اولیه یا ثانویه؟
۴۷	..... ۸-۸-۲- معیارهای شناخت احکام حکومتی
۴۹	..... <b>جمع بندی فصل</b>
۵۱	..... <b>فصل سوم- مبانی و کارکردهای نظارت در اسلام</b>
۵۱	..... ۱-۳- جایگاه و ادله نظارت در منابع دینی
۵۱	..... ۱-۱-۳- کتاب
۵۲	..... ۲-۱-۳- سنت
۵۳	..... ۳-۱-۳- ادله عقلی
۵۳	..... ۴-۱-۳- سیره عقلا
۵۴	..... ۲-۳- اهداف و کارکردهای نظارت در نظام سیاسی اسلام
۵۴	..... ۱-۲-۳- تحقق توحید و اجرای شریعت
۵۵	..... ۲-۲-۳- احیای حق و عدال تخواهی و قیام علیه باطل و ظلم
۵۶	..... ۳-۲-۳- تحقق معروف و جلوگیری از منکرات
۵۶	..... ۴-۲-۳- اصلاحگری و فساد ستیزی
۵۷	..... ۵-۲-۳- اهتمام به امور مسلمین، حفظ مصالح عمومی
۵۸	..... ۶-۲-۳- همدردی، همبستگی و تعاون و مودت اجتماعی
۵۹	..... ۷-۲-۳- تحقق کارویژه های حکومت و افزایش کارآمدی آن
۶۰	..... ۸-۲-۳- مهار و کنترل قدرت سیاسی
۶۱	..... ۹-۲-۳- افزایش مشارکت سیاسی شهروندان
۶۲	..... ۱۰-۲-۳- انتقادگری و انتقادپذیری
۶۳	..... ۱۱-۲-۳- تحقق و ارتقای قانون مداری
۶۴	..... ۱۲-۲-۳- مسئولیت پذیر و پاسخگو کردن نظام سیاسی
۶۶	..... <b>جمع بندی فصل</b>
۶۹	..... <b>فصل چهارم- نظارت بر قدرت و مهار آن در اسلام و لیبرال دموکراسی</b>
۷۰	..... ۱-۴- مبانی نظری لیبرال دموکراسی
۷۱	..... ۲-۴- مبانی نظری در نظام اسلامی

۷۴	۳- تفاوت در نوع ضمانت اجراها.....
۷۵	۴- سازوکارهای نظارتی در نظام لیبرال دموکراسی.....
۷۸	۵- سازوکارهای نظارتی در اسلام.....
۸۰	نتیجه فصل.....
۸۲	فصل پنجم- مهار قدرت حاکم در نظریه ولایت مطلقه.....
۸۲	۱- نظارت درونی در اسلام.....
۸۲	۱-۱- شرایط حاکم از دیدگاه عقل.....
۸۳	۱-۱- ویژگی های حاکم در آیات قرآن.....
۸۴	۲- نظارت درونی در نظریه ولایت فقیه.....
۹۰	۱-۲- اطاعت بی چون و چرا از رهبر غیر معصوم چرا؟.....
۹۱	۳- نظارت بیرونی در اسلام.....
۹۴	۴- نظارت بیرونی (عامه) بر ولی فقیه.....
۹۷	۱-۴- نوع و چگونگی نظارت بر ولی فقیه.....
۹۸	۲-۴- ضرورت نهادینه کردن نظارت بر عملکرد ولی فقیه.....
۹۹	۱-۲-۴- محدودده اختیارات نظارتی خبرگان رهبری.....
۱۰۱	۲-۲-۴- اطلاع مردم از نظارت خبرگان رهبری.....
۱۰۱	۳-۴- «مسأله دور» در ارتباط خبرگان و ولی فقیه.....
۱۰۳	۴-۴- احزاب و تشکلهای مردمی: ابزار دیگری برای نظارت بیرونی.....
۱۰۶	فصل ششم- ولایت مطلقه فقیه: ناظر بر قدرت و مهارکننده آن.....
۱۰۶	۱- ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی ج.ا.ا.....
۱۰۸	۲- اصل ۵۷ قانون اساسی و بررسی ولایت مطلقه فقیه.....
۱۰۸	۱-۲- نظارت ولایت مطلقه فقیه بر قوای سه گانه.....
۱۰۹	۱-۲-۶- نظارت بر قوه مقننه.....
۱۱۰	۲-۱-۲- نظارت بر قوه مجریه.....
۱۱۳	۳-۱-۲- نظارت بر قوه قضاییه.....
۱۱۴	۳- ولایت مطلقه فقیه و تفکیک قوا در قانون اساسی ج.ا.ا.....
۱۱۴	۱-۳- تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی.....
۱۱۶	۲-۳- ولایت مطلقه فقیه و اختیارات در اصل ۱۱۰ و اصول دیگر.....
۱۱۸	۴- تجربه تاریخی مهار قانون گریزی به وسیله ولایت فقیه.....
۱۱۹	۱-۴- مهار قانون گریزی در دوران رهبری امام خمینی (ره).....
۱۱۹	۱-۴-۶- بنی صدر و عدم تمکین به قانون.....
۱۲۰	۲-۱-۴- امام و جریان منتظری.....
۱۲۲	۳-۱-۴- فرمان هشت ماده‌ای امام برای حراست از حقوق ملت.....
۱۲۳	۲-۴- مهار قانون گریزی در دوران رهبری آیت ا.ا. خامنه ای.....
۱۲۳	۱-۲-۴- ایستادگی رهبری در برابر قانون شکنی غائله کوی دانشگاه ۷۸.....
۱۲۴	۲-۲-۴- طرح اصلاح قانون مطبوعات.....
۱۲۶	۳-۲-۴- ایستادگی و تدبیر در قبال خیانت در انتخاب ملت.....
۱۲۷	۴-۲-۴- فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد: تجلی عزم برخورد باقانون گریزی اقتصادی.....
۱۲۷	۵-۲-۴- سدی در برابر قانون شکنی اشرافیت، دفاع از حریم جمهوریت.....

۱۳۲	جمع بندی و نتیجه گیری .....
۱۳۶	کتابنامه .....



## مقدمه

« نظارت بر قدرت و مهار آن » از دیرباز ذهن بسیاری از دانشمندان و متفکران عالم سیاست را به خود معطوف کرده است و سوء استفاده حاکمان از قدرت در طول تاریخ موجب شده است که چاره اندیشی برای رفع این نگرانی، به عنوان یکی از عرصه های پر مناقشه نظریه پردازی سیاسی مطرح شود. تا جایی که حتی ارسال پیامبران الهی از آغاز زندگی آدمیان در بسیاری از موارد برای تقابل با حاکمان ستمگر و طغیانگر معاصر آنها بوده است و تاریخ را به صحنه تقابل این دو و قیام ها و انقلاب های الهی بدل کرده است.

شاید ارسطو را بتوان اولین کسی دانست که به صورت مبسوط به طبقه بندی حاکمان و حکومتها به لحاظ «نحوه اعمال قدرت» پرداخت که اعمال قدرت بر اساس خیر و مصلحت عمومی توسط یک نفر (موناشری) را حکومت ایده آل و اعمال قدرت بر اساس نفع شخصی توسط یک نفر (تیرانی) را بدترین و فاسدترین حکومت ممکن دانسته است (عالم، ۱۳۸۷: ۸۵).

از لحاظ تاریخی «تأکید جوامع غربی به امر نظارت، به تجربه تلخ این جوامع از حاکمان قرون وسطا بر می گردد. زمانی که پادشاهان خودکامه با تأکید و سکوت کلیسا، به نام جانشین خدا بر مردم حکم می راندند و خود را پاسخگو در برابر هیچ کس جز خدا نمی دانستند» (ایزدهی، ۱۳۸۷: ۱۸).

«نظریه تفکیک قوا» که ارائه شده توسط کسانی همچون جان لاک و منتسکیو است، در پاسخ به سوء استفاده از قدرت در عصر کلیسا بوده است و به عنوان روش و ساز و کار پذیرفته شده کنترل قدرت در دموکراسی های غربی به رسمیت شناخته شده است و با تأکید بر تمرکز زدایی و توزیع قدرت میان قوای حکومتی سعی در نظارت و کنترل قوای حکومتی بوسیله یکدیگر دارد، راه کار رایجی برای مهار قدرت لقب گرفته است که علی الخصوص در جوامع غربی مورد پسند واقع شده است (ایزدهی، ۱۳۸۷: ۱۹).

در جوامع شرقی و اسلامی نیز نظریه «ظل ...» خوانده شدن پادشاه و سلطان در بسیاری از ادوار امری رایج و شایع بوده است و برای لایه ها و نحله های منتقد در این جوامع همچون شیعیان کمتر مجال نظریه پردازی و چاره اندیشی برای حل مساله مهار قدرت پیش آمده، اما در زمان اندک مواقعی که فضا باز تر شده است و یا امر نظارت فقهای شیعه بر حکام مطرح شده است، ابواب جدیدی در این باب در فقه شیعه شکل گرفت. اوج این نظریه پردازی را در آستانه وقوع انقلاب اسلامی در ایران و پس از استقرار حکومت اسلامی و گنجانده شدن «ولایت فقیه» در قانون اساسی شاهد هستیم. اصلی که به صورت جدی در اندیشه های فقهی و کلامی بنیانگذار انقلاب، امام خمینی (ره) و در قالب درس های خارج فقه تولدی دوباره می یابد و با طرح نظریه «ولایت مطلقه فقیه» به بلوغ و اوج خود می رسد و در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به شکلی رسمی و قانونی در می آید.

البته از ابتدای طرح این اصل در بازنگری قانون اساسی و در جلسات خبرگان قانون اساسی نگرانی هایی از این باب که این اصل با حاکمیت ملی و قانون اساسی در تعارض باشد به گوش می

رسد اما از همان زمان تلاش های نظری بسیاری در قالب آثار و نوشته ها و احتجاجات فقهی و حقوقی برای پاسخ به این نگرانی و استخراج و تعبیه مکانیزم ها و راه کارهایی جهت اطمینان به اعمال صحیح قدرت توسط ولی فقیه، انجام گرفت.

به نظر می رسد این نگرانی که ولایت مطلقه در مسیری فرا قانونی قدم بگذارد و قانون اساسی به عنوان میثاق حاکمیت و ملت را به تعطیلی بکشاند سر منشاء این چالش ها و پاسخ به آنها در طول این سال های پس از بازنگری باشد. اما معمار این نظریه نه تنها این نگرانی را مردود می شمارد بلکه این اصل را «در مخالفت با دیکتاتوری و قانون گریزی» می داند. معمولاً در پژوهش ها و آثار انجام گرفته در این حوزه به راه کارهای مهار و نظارت بر قدرت ولی فقیه بسیار پرداخته شده است اما کمتر این تعبیر امام(ره) و دلایل آن و ابزار ولی فقیه برای اعمال آن مورد توجه و تشریح قرار گرفته است. این پژوهش در صدد است علاوه بر تکمیل و افزودن یافته های نگارنده در باب نحوه مهار قدرت در حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، خلاء های مربوط به تعبیر فوق را نیز بر طرف سازد و به اثبات این نکته بپردازد که ولایت مطلقه فقیه چطور در مقابل استبداد می ایستد و امور را در مجرای اصلی خود قرار می دهد با وجود آنکه برخی درست تصور مقابل این اعتقاد را دارند و برای آن ها قابل تصور و تصدیق نیست که یک حکومت مقتدر دینی که در رأس آن رهبری مذهبی قرار دارد قادر باشد نظارت و کنترل بر قدرت را برقرار کند.

## فصل اول - کلیات

### ۱-۱- پیشینه و ادبیات پژوهش:

کتاب‌ها و تحقیقات ناظر بر موضوع این پژوهش یا به طور مستقل و یا در لا به لای مباحث خود به مسأله حاضر در این پژوهش پرداخته‌اند که به برخی به طور مختصر اشاره می‌شود.

• از میان منابع مستقل که عموماً شامل تحقیقات و پژوهش‌های آکادمیک می‌باشد کتاب «توزیع و مهار قدرت در نظریه ولایت فقیه» نوشته شریف لک زایی است. این پژوهش نگاه اصلی خود را به نسبت ولایت فقیه و تفکیک قوا معطوف کرده است و با بررسی جوانب هر یک از دو نظریه و نسبت سنجی آن‌ها این چنین نتیجه می‌گیرد که «نظریه تفکیک قوا، به هر دلیلی، در نظریه ولایت فقیه پذیرفته شده است و البته نتیجه آن انجام امور از مجاری قانونی است که برای هر یک از قوا پیش بینی شده است... ولی فقیه ناظر و مراقب و هماهنگ کننده و تنظیم کننده روابط قواست و با نظارت خود اجازه نمی‌دهد که نا هماهنگی و تداخلی در کار نهادها و قوای سه گانه حکومت به وجود آید.» (لک زایی، ۱۳۸۵: ۱۴۵) این نتیجه گیری ناظر به یکی از جنبه‌های نظارتی ولایت فقیه بر کارگزاران حکومتی، یعنی بعد دوم پژوهش حاضر می‌باشد اما فاقد جامعیت کافی در پاسخ به سوال فوق می‌باشد و از سویی بیشتر با هدف نشان دادن عدم تمامیت خواهی ولی فقیه به خاطر اهتمام به توزیع قدرت نگاشته شده است و نه پاسخ به این سوال که ((ولایت فقیه چگونه مقابل تمامیت خواهی می‌ایستد؟))

• اثر دیگری نیز با عنوان «ولایت فقیه و تفکیک قوا» تألیف مصطفی ناصحی منتشر شده است که مورد بررسی پژوهش فوق نیز قرار گرفته و ضمن بررسی هر دو موضوع ولایت فقیه و تفکیک قوا، بحث‌های حاشیه‌ای دیگر ضرورت و دلایل حکومت در جامعه اسلامی، بررسی آرا فقها درباره ولایت فقیه، شرایط و صفات رهبری و... را مورد توجه قرار داده است. در این کتاب که مشی حقوقی دارد به دیدگاه امام خمینی (ره) به عنوان شخصیتی که به تاسیس نظام سیاسی مبادرت ورزیده درباره تفکیک قوا اشاره‌ای نشده و بحث ولایت مطلقه فقیه نیز به اجماع مورد توجه قرار گرفته است. البته این کتاب اهرم‌های نظارتی ولی فقیه بر قوای دیگر را در توضیح تفکیک قوای گنجانده شده در اصل ۵۷ قانون اساسی، که زیر نظر «ولایت مطلقه امر» ذکر شده، آورده است که بیشتر جنبه حقوقی دارد و نه فقهی و کلامی. البته می‌توان این قسمت را مرتبط با سوال دوم پژوهش حاضر دانست اما به خاطر جنبه حقوقی آن تلاشی بیشتر در کشف مبانی، ادله و راه کارهای فقهی و کلامی آن طلب می‌کند که پژوهش حاضر به دنبال پر کردن این خلاء است.

• یکی دیگر از منابع پژوهش حاضر، کتاب «نظارت بر قدرت در فقه سیاسی» نوشته سید سجاد ایزدهی است که از باب گردآوری ابعاد مختلف نظارت بر قدرت که در منابع مختلف کلامی و فقهی شیعه آمده است، پر اهمیت جلوه می‌کند. تألیف مذکور که در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گردآوری و تدوین شده است اثری جامع است که با تشریح بسیط مفاهیم قدرت و نظارت و انواع و انواع آن، ((ابعاد و گستره نظارت را در چهار بعد: کسب قدرت، اعمال قدرت، توزیع قدرت و گردش قدرت به تحقیق در آورده است))

(ایزدهی، ۱۳۸۷: ۲۱) و مکانیزم های قدیم و جدید تعبیه شده در فقه سیاسی شیعه را در اعمال این نظارت های چهار گانه به بررسی می گذارد که پژوهش حاضر بیشتر با بعد دوم یعنی نظارت بر اعمال قدرت اثر فوق پیوستگی پیدا می کند. البته در بخشی از بعد اول نظارت، کسب قدرت که از ((جعل اوصاف خاص برای حاکم)) به عنوان لازمه واگذاری حاکمیت سخن می گوید و نیز تفکیک و توزیع قوا در بعد سوم با پژوهش حاضر ارتباط برقرار می کند.

• اثر دیگری که در حوزه پژوهش حاضر انجام گرفته است، کتاب «چالش های فکری نظریه ولایت فقیه»، نوشته مصطفی جعفر پیشه فرد به درخواست دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری است که در یکی از چالش ها به چالش مربوط به مفهوم «انتصاب» در نظریه ولایت انتصابی فقیه و نظارت می پردازد و با بررسی موشکافانه و مفصل مقدماتی استدلالی نتیجه می گیرد که: «نه قانونی و نه منطقی، نمی توان به ملاحظه «حق عزل و نصب» با «حق نظارت» رای مثبت داد... اجتماع و عدم اجتماع این دو، به چگونگی جعل و قانون گذاری وابسته است. (جعفر پیشه، ۱۳۸۱: ۷۶) البته این اثر از آن جایی که حق نظارت را بر نظریه ولایت مطلقه فقیه که خواستگاری انتصابی دارد اثبات می کند و تلاش خود را بیشتر به این امر معطوف می کند تا حدودی از مکانیزم های نظارتی غافل می شود و تنها گذرا و کلی به بیان راه کارهایی همچون «تصحیح و خیر خواهی» بسنده می کند و به مکانیزم های نظارتی ولی فقیه بر سایر ارکان حکومتی (بعد دوم پژوهش حاضر) توجهی نشان نمی دهد.

• از میان مقالات مرتبط با پژوهش حاضر دو مقاله با عناوین «نسبت سیاست های کلی نظام با احکام حکومتی در حقوق اساسی ایران» تألیف مشترک محسن اسماعیلی و هادی طحان نظیف و «احکام حکومتی، قانون اساسی و کارآمدی» نوشته سید مصطفی تقوی، مسأله «حکم حکومتی» را در نسبت به دو متغیر سیاست های کلی و قانون اساسی به بررسی گذاشته و در مورد اول نسبت این همانی و در مورد دوم نسبت اولویت را برای حکم حکومتی قائل شدند و این وضعیت را از باب گشودن تنگناها و قرار گرفتن قوا در خط مشی واحد و جلوگیری از سرگردانی آنها، امری مفید و قابل قبول دانستند این دو اثر از این باب مورد توجه پژوهش حاصل قرار گرفته که به نظر به صورت مبسوط به یکی از مکانیزم های مهار و جهت دهی به قدرت قوا و نهادهای حکومتی توسط ولی فقیه پرداخته اند.

• در مقاله ای دیگر به نام «توزیع قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به تألیف دکتر علی اختر شهر، راه کارهای نظارتی مردم بر مقام رهبری مورد توجه قرار گرفته و نمونه های آن را تعیین رهبر به وسیله خبرگان منتخب مردم، نظارت مستمر مردم به رهبری، امر به معروف و نهی از منکر به رهبری بر شمرده است.

• در مقاله دیگری با عنوان «تحول از نظریه ولایت انتصابی عامه به ولایت مطلقه با رویکرد روش شناسی لاکاتوش» نوشته حسین مسعود نیا و حسین توسلی نیا، نظریه ولایت مطلقه را توسعه یافته نظریه ولایت انتصابی عامه با حفظ مفروضات اصلی و استخوان بندی (ایده) روش شناسی لاکاتوشی معرفی می کند و به تقدم و اولویت حکم حکومتی بر احکام فرعی اولیه و ثانویه و امکان تعیین و عزل ولی فقیه، به عنوان تحولات و ابداعات در این توسعه نظری لاکاتوشی می پردازد.

تحول اول ناظر به توسعه مکانیزم های نظارتی شخص ولی فقیه و تحول دوم ناظر بر مکانیزم های نظارتی بر شخص ولی فقیه است.

## ۱-۲- سؤال های پژوهش:

### سؤال اصلی:

۱- نظارت بر اعمال قدرت در نظام مبتنی بر نظریه ولایت مطلقه فقیه چگونه صورت می پذیرد؟

### سؤالات فرعی:

- ۱- نظارت بر قدرت در نظام اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟
- ۲- تمایز نظارت بر اعمال قدرت در نظام اسلامی در مقایسه با نظام های لیبرال در چیست؟
- ۳- چگونه قدرت در اختیار ولی فقیه، تحت کنترل و محدود به قوانین الهی است؟
- ۴- چگونه ولی فقیه، قدرت در اختیار کارگزاران و قوای حکومتی را تحت کنترل و محدود به قوانین الهی قرار می دهد؟

## ۱-۳- فرضیه های پژوهش:

### فرضیه ی اصلی :

اگر عناصر، ابزارهای نظارتی و اختیارات مندرج در نظریه ولایت مطلقه فقیه اعمال شود، قدرت در نظام سیاسی کاملاً تحت کنترل و محدود و محصور به قوانین الهی و موضوعی بوده و از هر گونه خود مختاری و دیکتاتوری در حکومت اسلامی جلوگیری خواهد کرد.

### فرضیات فرعی :

- ۱- اگر ضرورت نظارت بر قدرت سیاسی، لوازم و ادله آن در منابع دست اول اسلامی آمده و بر آن تأکید شده باشد، این امر از جایگاه ویژه ای در این آیین برخوردار است.
- ۲- اگر «نظارت درونی» در نظام سیاسی اسلام مورد توجه قرار گرفته باشد، با فرض بی اعتنایی نظام های لیبرال به این مقوله، نظارت درونی عمده ترین وجه تمایز دو نظام اسلامی و لیبرال است.
- ۳- اگر نظارت در دو بعد درونی و بیرونی بر ولی فقیه اعمال شود، قدرت وی تحت کنترل و محدود و مقید به قوانین الهی خواهد بود و از استبداد و انحراف به دور می ماند.
- ۴- اگر «ابزارهای نظارتی و اختیارات گسترده مطلقه» توسط ولی فقیه به تمامه اعمال شود، قدرت کارگزاران و قوای حکومتی، تحت کنترل و محدود و مقید به قوانین الهی و موضوعی خواهد بود و از انحراف و قانون گریزی به دور می ماند.

#### ۴-۱- حدود پژوهش:

به لحاظ کلامی این پژوهش در محدوده ی فقیهان و نظریه پردازان «حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه» با تاکید بر قلمرو اسلامی و جهانی، امام خمینی (ره)، قرار دارد. در محدوده زمانی نیز، به تلاش های نظری از زمانی طرح و شکل گیری نظریه تا کنون می پردازد و در محدوده ی مکانی مرزهای جغرافیایی مبانی برای خود نمی داند و برای استفاده از اندیشمندان مرتبط با این نظریه محدودیتی قائل نیست اما از آن ها بیشتر در جهت تبیین نظریه ی امام خمینی (ره) کمک می گیرد.

#### ۵-۱- روش شناسی پژوهش:

این نوشتار به سبک بسیاری از تحقیقات نظری، مطالعه کتابخانه ای، تحلیل محتوا و متون را در اولویت روشی خود قرار داده است و به وقایع تاریخی معاصر هم نگاهی مستند و تازه داشته است.

## فصل دوم - چارچوب نظری و مفهومی

### ۲-۱- قدرت و مفهوم آن

#### ۲-۱-۱- نگرش مادی به قدرت

یکی از مفاهیمی که چون غالب مفاهیم اجتماعی و انسانی دچار دشواری تعریف است و همواره از آن تعاریف متعدد و غیر متفق علیه داده شده است، واژه «قدرت» می باشد. بسیاری از اندیشمندان علم سیاست از نگاه صرف مادی به این پدیده پرداخته و تعاریفی از این قبیل آورده اند:

راسل قدرت را «پدید آوردن آثار مطلوب» تعریف کرده است (راسل، ۱۹۶۷: ۳۴-۲۵). ماکس وبر آن را «امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگران» خوانده است (وبر، ۱۹۴۸: ۴۸-۹۴۱). پولانزاس «توانایی یک طبقه اجتماعی برای تحقق منافع خاص عینی خود» را قدرت می نامد (پولانزاس، ۱۹۷۲: ۱۴-۱۰۴). هانا آرنست «توانایی آدمی برای عمل، در اتفاق عمل با گروه» را تعریف قدرت می داند (آرنست، ۱۹۱۰: ۱۱۵).

#### ۲-۱-۲- نگرش الهی به قدرت

هر یک از این تعاریف از اشکال های مشترک و ویژه ای رنج می برد که نقد و بررسی آن ها در این مختصر نمی گنجد. یکی از اشکالات مشترک همه این تعاریف نگاه صرفا مادی به قدرت است. در مقابل، متفکران مسلمان نگرشی عام تر به قدرت دارند هندسه معرفتی ارباب قدرت و طرز تلقی آن ها از قدرت در چگونگی کار بست آن نقشی مؤثر دارد؛ به عبارت دیگر، جهان بینی حاکم و انگاره قدرت در آن از اهمیت بسیار برخوردار است. یکی از ریشه های اساسی فساد قدرت نگاه خواستارانه و اصیل انگارانه و مالکانه قدرتمندان به قدرت است. نگاه اسلامی به قدرت سیاسی نگاه مسئولانه و امانتدارانه است. حضرت امام علی (ع) به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، می نویسد: «فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی است بر عهده تو...» (نهج البلاغه، نامه ۵) یکی از مهمترین نتایج این طرز تلقی از قدرت خودداری از فساد و دیکتاتوری است. از این رو، آن حضرت در پی آن می فرماید: «درباره رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی!» (نهج البلاغه، نامه ۵) همچنین آن حضرت در نامه به یکی از فرمانداران می نویسد: «اما بعد، من تو را شریک در امانتم [حکومت و زمامداری] قرار دادم.» (نهج البلاغه، نامه ۴۱) برخی از نویسندگان از لابه لای سخنان امام خمینی و سیره و رفتار سیاسی ایشان چنان استنتاج کرده اند که قدرت در نگاه وی عبارت است از: «توان به فعلیت رساندن جمیع منابع معنوی و مادی قابل دسترس انسان ها برای دستیابی به عدالت و رستگاری» (نبوی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) در این نگاه، افزون بر عناصر مادی، منابع معنوی و نیز غایت قدرت در این جهان و عرصه حیات جاودان آدمی معین گردیده است. برخی از متفکران بر آنند که قدرت ذاتا فسادآور است. لرد آکتون می نویسد: «قدرت تمایل

به فساد دارد». (مطهرنیا، ۱۳۹۱: ۲۰۱). این دیدگاه از جهاتی مورد چون و چرا واقع شده است. بی تردید قدرت مهار نشده در دست انسان غیر معصوم و لغزش پذیر زمینه بسیاری از فسادها را فراهم می آورد. پاره ای از مفاسد ناشی از آن، عبارت است از: جاه طلبی، استبداد، قانون گریزی و سلب آزادی های مشروع. بنابراین، مساله قدرت و کنترل آن از بایسته های هر نظریه سیاسی است.

## ۲-۲- کنترل و مهار قدرت

قدرت سیاسی وقتی از مشروعیت اجتماعی برخوردار باشد، از آن به عنوان اقتدار یاد می شود. با این وجود در طول تاریخ نمونه های زیادی از سوءاستفاده دارندگان قدرت سیاسی از این نوع وجود داشته است. این موارد سوءاستفاده از قدرت در همه نظامها و بیشتر در نظام های سیاسی استبدادی و دیکتاتوری صورت می گیرد که قدرت در دست عده معدودی جمع شده و عوامل کنترل کننده آن همچون نقد و انتقاد عمومی و زمینه های بحث های سیاسی و سایر ابزارهای عمومی کنترل قدرت وجود ندارند، یا با محدودیت روبرو هستند. متفکران راه کارهای متعددی را برای کنترل و مهار این قدرت پیشنهاد کرده اند. اما این راه کارها باید از ویژگی هایی برخوردار باشند تا در عمل کارایی خود را نشان دهند:

۱. کمال و جامعیت: کنترل قدرت باید جامع و همه جانبه و دارای کارآمدی هر چه بیش تر باشد؛ به گونه ای که احتمال سوء استفاده از قدرت را به صفر یا کم ترین حد ممکن برساند.

۲. بازدارندگی: روش های مهار و کنترل قدرت باید چنان باشد که راه سوء استفاده از قدرت را مسدود کند نه آن که صرفا پس از ظهور فساد و ریشه دوانیدن آن به درمان بپردازد. البته برخورد با فساد پدید آمده نیز ضرورت دارد؛ ولی پیشگیری بر درمان مقدم است.

۳. دست و پاگیر نبودن: کنترل و مهار قدرت نباید کارآمدی نظام سیاسی را تهدید کند و جامعه را از خدمات دستگاه های دولتی محروم سازد.

۴. رعایت حریم خصوصی افراد: هر کس، در هر جایگاهی، حریمی ویژه دارد که تجسس در آن جایز نیست. شیوه های مهار قدرت نباید به گونه ای باشد که به آزادی ها و حقوق فردی آسیب رساند.

۵. فقدان خودشکنی یا ابتلا به دور و تسلسل، ۶. واقع بینانه بودن، ۷. دارا بودن حداکثر تضمین اجرایی لازم (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۷۹: ۴۵)

## ۲-۲-۱- کنترل قدرت در نظام های غیر دینی

نظام های سیاسی غیر دینی عمدتا از شیوه های برونی کنترل قدرت استفاده می کنند. اهرم ها و سازوکارهای مهار بیرونی قدرت در نظام های گوناگون غیر دینی یکسان نیست. آنچه عمدتا در عصر حاضر در نظام های دموکراتیک غربی مورد توجه است، کنترل ساختاری یا تفکیک قوا است. نظریه تفکیک قوا سابقه طولانی دارد، ولی در دنیای جدید منتسکیو احیاگر آن شمرده می شود.



این روش بر این انگاره مبتنی است که قدرت را جز با قدرت نمی توان تحدید کرد. اکنون باید دو مساله بررسی شود: ۱. ارزیابی کنترل بیرونی قدرت ۲. ارزیابی روش تفکیک قوا به طور خاص.

### ۲-۲-۲- کنترل بیرونی قدرت

به کارگیری شیوه های مهار و کنترل بیرونی قدرت بایسته و اجتناب ناپذیر می نماید؛ ولی کافی نیست. این روش با مشکلات گونه گون روبه رو است؛ مشکلاتی که تسلسل یا دور یکی از آن ها به شمار می آید.

### ۲-۲-۳- تسلسل یا دور مهار بیرونی قدرت

در کنترل بیرونی قدرت فرض بر آن است که از اعمال ناروای قدرت «الف» توسط قدرت «ب» جلوگیری می شود. در این موقعیت، اگر «ب» نیز به اعمال ناروای قدرت خود پردازد، باید به وسیله عاملی بیرونی کنترل و مهار شود.

اکنون دو فرض متصور است:

۱. عامل بیرونی مفروض همان قدرت «الف» باشد که با مشکل دور رو به رو می شویم؛ زیرا قدرت الف ناظر بر ناظر خود (ب) است.

۲. قدرت سوم (ج) ناظر بر هر دو باشد.

در این صورت، احتمال کاربرد ناروای قدرت توسط ج وجود دارد. بنابراین، یا باید توالی قدرت های مهار کننده همچنان ادامه یابد و به تسلسل محال انجامد و یا باید انتهای چرخه مهار قدرت به ابتدای آن متصل شده، دور تحقق یابد. (نبوی، ۱۳۸۷: ۳۹۸-۴۰۵)

### ۲-۲-۴- کنترل ساختاری قدرت

یکی از شیوه های مهم کنترل قدرت در غرب معاصر کنترل ساختاری یا تفکیک قوا است. این شیوه که پیش بینی می شد به وسیله آن بتوان قدرت را مهار و از فساد آن جلوگیری کرد، از مشکلاتی چند رنج می برد. شماری از این مشکلات عبارت است از:

۱. عدم امکان تفکیک کامل قوا

۲. تفکیک قوا حداکثر به تفکیک فساد و تمرکز زدایی از آن انجامیده است.

۳. سازماندهی مشارکت مردم در انتخابات از سوی احزاب سیاسی فلسفه تفکیک قوا را از بین برده است.

### ۲-۳- نظارت و انواع آن

برخی فرایند قیاس میان (بود و باید) را معیار تعریف دانسته اند:

نظارت فعالیتی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجود‌ها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و نتیجه‌ی این مقایسه، تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می‌گیرد)

برخی نیز نظارت را به مجموعه عملیاتی در تطابق عملکردها با مقررات، در راستای اطمینان به حصول به اهداف تعریف کرده‌اند:

(نظارت به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده شده تا از این طریق، نسبت به مطابقت عملکرد با هدف‌های مطلوب اطمینان حاصل شود)

اقسام نظارت

### ۲-۳-۱- نظارت استطلاعی

نظارت به مانند معانی مختلفی که از آن ارائه شده، دارای اقسام و مصادیق متعددی است. براساس برخی از مصادیق، صرف با خبر بودن ناظر از مسائل خلاف کافی بوده، ناظر تنها می‌بایست موارد انحرافی را به نهادهای مسئول گزارش داده، بلکه فهم درستی و یا نادرستی آن اعمال نیز در محدوده‌ی تشخیص و فهم وی نیست و وی تنها می‌بایست آنچه مشاهده نموده گزارش دهد. براساس برخی دیگر از مصادیق، گرچه ناظر همچنان دخالتی در منع از اعمال ناشایست ندارد، اما فهم وی از صحت و یا بطلان این اعمال حجیت داشته، شخصی که وی را به این سمت گمارده، فهم وی در این باب را حجت دانسته است.

بر اساس گونه‌ی اول نظارت که گاه نظارت استطلاعی خوانده شده است، صرف اطلاع ناظر در محدوده‌ی مورد نظر نسبت به اعمال عامل کافی است. بر اساس این نوع نظارت، عامل هیچ تعهدی در قبال ناظر ندارد. گرچه می‌بایست اقدامات خود را طبق مقررات به اطلاع ناظر برساند چنانچه این معنا از نظارت در حوزه‌ی سیاست نیز بدین گونه استعمال شده است: این نوع نظارت به فرایندی گفته می‌شود که ناظر تنها می‌بایست از وضعیت‌ی که مجریان انجام می‌دهند اطلاع یافته و سپس بدون آن که خود اقدام عملی کند و نحوه‌ی اجرا را تأیید یا رد کند آنچه را مشاهده کرده به مقام دیگری گزارش کند

### ۲-۳-۲- نظارت استصوابی

در نظارت استطلاعی، ناظر تنها می‌بایست مورد خلاف را با توجه به معیارهای تعیین شده گزارش داده، دیدگاه و نظر وی در شناخت خلاف تأثیری ندارد. در نظارت استصوابی، ناظر علاوه بر کسب اطلاع، صوابدید و نظر خواهی هم می‌نماید؛ یعنی علاوه بر این که می‌تواند حکم صادر نماید و حکم وی نافذ باشد، اعمال حقوقی بدون إذن و موافقت وی اعتبار نخواهد داشت. این نظارت در اصطلاح به نظارتی گفته می‌شود که در آن ناظر، در تمام موارد تصمیم‌گیری حضور دارد و باید اقدامات انجام شده را تصویب کند تا جلوی هر گونه اشتباه یا سوء استفاده مجریان گرفته

شود). (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۷۹: ۶۵-۷۵) در این پژوهش هر جا که از نظارت حاکم صحبت به میان می آید مراد و منظور همان نظارت به معنای دوم است.

## ۲-۴- فقه سیاسی: مفهوم و گستره

اصطلاح «فقه سیاسی» که در سال‌های اخیر، بسیار مورد استفاده قرار گرفت، اصطلاحی است که به مباحث سیاسی در علم فقه پرداخته و تدبیر امور جامعه اسلامی را برعهده دارد و درصدد است روابط جامعه اسلامی را در حوزه داخلی و خارجی تنظیم نماید.

فقه سیاسی که فهم آن در گرو نوع ارتباط میان دو مفهوم اساسی «فقه» و «سیاست» است در راستای تخصصی شدن مباحث حوزه فقه قرار داشته، به موضوعات سیاسی و حکومتی در کنار رشته‌های دیگر فقهی می‌پردازد.

اصطلاح «فقه سیاسی» به عنوان واژه‌ای نوپدید در عرصه فقه، مشتمل بر مجموعه‌ای از مباحث فقهی است که با دانش سیاست مرتبط بوده و تکالیف شرعی زندگی سیاسی مؤمنان بلکه شهروندان را تعیین کرده و آیین اداره مطلوب را بر اساس منابع و ادله معتبر شرعی، تبیین و توصیه می‌کند. فقه سیاسی، با توجه به پیوند دین و سیاست بلکه فقه و سیاست و حکومت، در اندیشه اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در طبقه‌بندی علوم اسلامی دارد.

این گرایش از فقه، عملی‌ترین بخش دانش‌های اسلامی بوده و عملاً جایگزین فلسفه سیاسی در یونان قدیم است. شاید از همین رو است که فارابی در طبقه‌بندی علوم، اصطلاح فقه مدنی را به عنوان شاخه‌ای از علم مدنی عام و قسیم حکمت مدنی، به کار برده است.

## ۲-۴-۱- فقه سیاسی به مثابه گرایش تخصصی

ضرورت تفکیک مباحث فقه سیاسی از سایر مباحث فقهی در سایه این منطق صورت می‌پذیرد که مسائل و مباحث فقه در عصر حاضر بسیار گسترده شده و تخصص در تمامی ابواب و مسائل آنان از توان یک شخص بلکه از اندازه عمر وی خارج است. بنا بر این لازم است فقه رویکرد تخصصی گرفته و هر فقیه به بخشی خاص از فقه بپردازد. گرچه بحث تخصصی شدن فقه، به فقه سیاسی محدود نمی‌شود و مباحثی چون فقه پزشکی، فقه خانواده، فقه عبادات، فقه اقتصادی و... را نیز

در برمی‌گیرد. فقه شیعه هیچ گاه فارغ از ماهیت فقه سیاسی نبوده و از آغاز تدوین دانش فقه، بخش وسیعی از مباحث آن به مباحث سیاسی اختصاص داشته و پاسخگویی به این مسائل را مدنظر قرار می‌داده است. هرچند این مباحث به علل بسیاری از جمله حساسیت حاکمان جائز، جایگاه گسترده‌ای را در فقه شیعه به خود اختصاص نمی‌داده و تنها مشتمل بر احکام مختلف و پراکنده در گستره امور فردی و زندگی مؤمنانه در ابواب مختلف فقه بود.

## ۲-۴-۲- تمایز فقه سیاسی معاصر با فقه سیاسی در ادوار پیشین

آنچه فقه سیاسی موجود را از مباحثی که در سال‌های دور ذیل فقه سیاسی جای می‌گرفت متمایز می‌کند نه در مفهوم فقه سیاسی بلکه در دو چیز است:

اول) برخلاف زمان گذشته که به خاطر دور بودن فقیهان از عرصه حکومت، فقه شیعه به مباحث بسیط در عرصه سیاست اختصاص داشته، فقه در عصر حاضر، مشتمل بر عرصه‌های نوپدید بسیاری در عرصه سیاست شده است؛ بلکه به خاطر ارتباط مستحکم فقه و فقیهان با عرصه حکومت و سیاست و ضرورت پاسخگویی فقیهان نسبت به مسائل نوپدید و اداره مطلوب شریعت‌مدار جامعه، حجم مسائل فقه سیاسی، افزون شده و علاوه بر مباحث پیشین، موضوعاتی مانند: تحزب، مرزهای ملی، تفکیک قوا، انتخابات، مجالس قانونگذاری، قانون اساسی، مصونیت سیاسی، آزادی‌های سیاسی، مشارک سیاسی و... را دربر می‌گیرد.

دوم) مباحث فقه سیاسی در زمان گذشته، بنا بر اقتضائاتی مانند: «شرایط زمانه، دور بودن فقه و فقیهان از عرصه حکومت، قرار داشتن فقها در حالت تقیه، غلبه سیطره حاکمان جائر بر امور جامعه و در اقلیت قرار داشتن شیعیان در برخی زمان‌ها و مناطق»، عمدتاً در پارادایم فقه فردی (و نه فقه اجتماعی و حکومتی) قرار داشت و مباحث طرح شده سیاسی در فقه نیز معمولاً فرد محور بوده و در پاسخ به مؤمنان و مکلفین به شریعت، ارائه می‌شد. این درحالی است که فقه سیاسی در عصر حاضر، در پارادایم فقه اجتماعی و حکومتی وارد شده و علاوه بر اینکه مخاطبان آن، به مکلفین به شریعت محدود نشده بلکه عموم شهروندان را دربر می‌گیرد، نظریه‌های سیاسی را نیز در کنار احکام و استفتائات، شامل شده و اداره مطلوب و شریعت‌مدار جامعه کلان و حکومت اسلامی را سرلوحه استنباط قرار می‌دهد (زنجانی، ۱۳۶۶: ۱۵).

از این روی، حضرت امام خمینی (ره) به عنوان معمار نظامی با معیارهای شریعت در عصر حاضر و با درک صحیح از شرایط، در راستای به کار بستن حداکثری آموزه‌های فقه در جامعه، بازتعریفی از فقه و ارتباط آن با حکومت ارائه کرده و این گونه اظهار داشته‌اند:

«حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵: ۲۹۰)

طبیعی است درکی این گونه از فقه که ریشه در آموزه‌های شریعت دارد و کارکردهای فقه را در حصار نیازهای فردی محدود نمی‌کند، ظرفیت‌های بسیاری برای فقه سیاسی در عصر حاضر ایجاد کرده و می‌تواند غایات حد اکثری فقه و شریعت در جامعه را ذیل حکومت اسلامی محقق نماید.

## ۲-۴-۳- قرائت‌های حداقلی و حداکثری فقه سیاسی

فارغ از اختلاف در معنای فقه سیاسی که در حفاصل میان نگرش حداقلی و حداکثری قرار دارد، این اختلاف به گونه‌ای وسیع‌تر در خود فقه نیز وجود دارد. باید تفاوت رویکرد فقیهان در فقه